

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۲ هـ.ق - میقات محرم)

۱۸ آذر ۸۹

### خطبه‌ی شب سوم

حمد و ثنا و سپاس سزاوار خداوند با جلال و کبریایی عظیم و کریم است که بزرگی و عظمتش در آسمان‌ها، نشانه‌های قدرتش در زمین، عجایب او در دریاها و گنجینه‌هایش در کوه‌ها و آشکار است تسلطش بر همه چیز و اوست درگذرنده و بخشاینده.

سلام و تحیت پروردگار عالم بر جان‌هایی باد که همواره با پیمان الست جان می‌گیرند، به عهد و پیمانی که آن را می‌شناسند. آنگاه که خالقشان نامشان را خواند و یاری‌شان کرد تا دست بر سینه بگذارند و آتشی را حس کنند که نامش عشق به الله بود طعم آن آتش را چشیدند و صدای نهفته در جانشان را درک کردند و آنگاه با فریادی که ضربان قلبشان آن را یاری می‌کرد گفتند: قالو بلی. حال در ادامه‌ی شب‌های گذشته می‌گوییم:

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی شب سوم

پروردگار کریم همان‌گونه که در کتاب آسمانی فرموده نسبت به بندگان خویش مهربان است و از خطای کسانی که از روی جهالت گناه می‌کنند می‌گذرد. آیا مفهوم جهالت برای ما روشن است؟

فردی که عقلش به رشد می‌رسد و می‌تواند در دینش تفکر کند به ثواب و عقابش بیندیشد، به فرامین عمل کند و به اسوه‌های معرفی شده متوسل شود و آنگاه نفس را به میدان عمل آورد. یا بر آن سوار شود یا به او سواری دهد اگر عقلش ناتوان بود و نتوانست تشخیص ثواب و عقاب را بدهد آنگاه جهالت به میدان می‌آید و انسان،

جاهل نامیده می‌شود و پروردگار کریم نسبت به ناتوانی آنان بخشنده و مهربان است. پس عقلی که در معرض وسوسه‌های شیطان نفس است عقلِ جاهل نام دارد و اشتباهاتش از ناتوانی درکش سرچشمه می‌گیرد. مرتباً در حال توبه از گناه است و در اثر تکرار این عمل هر روز بیشتر گرفتار جهالت می‌شود و دیگر نمی‌تواند انسان نام بگیرد بلکه پروردگار عالم او را جزو چهار پایان و کسانی که قادر به شنیدن نیستند قرار می‌دهد. پس هر چه به عاشورا نزدیک می‌شویم باید عبرت‌ها برایمان آشکارتر شود و جهالت‌ها نمایان‌تر. اگر چنین نشد روزهای عمرمان مانند بیمارانی که منتظرند تا ریشه‌ی مرض جانشان را بستانند و آنان را از عذاب درد خلاصی بخشد هستیم پس چگونه به واقعیت‌ها برسیم؟

آیا با اخباری که از گذشته در دسترس ماست و هر کس به توان عقلش تاریخ را نگاشته است اعتماد کنیم و مانند صحنه‌ی نمایش، با قهرمانانی که نامشان را می‌شناسیم ولی جایگاهشان را نمی‌شناسیم. نمی‌دانیم وظیفه‌ی ارشاد در امامت چه جایگاهی دارد، آیا امر به معروف و نهی از منکر است مانند امری که به عهده‌ی ماست؟ اگر چنین باشد همگان امام هستند و دیگر نیازی به اسوه نمی‌باشد.

پس امام کیست؟ باید جواب سؤال را از چه کسی پرسید؟ چه کسی توان شناختن امامت را دارد؟ قهرمانان عاشورا به چه کسی دل بسته‌اند و در مقابل تیغ‌های کشیده جانشان را برای چه هدفی قربانی کردند؟ آیا به وعده‌ی الهی دل بستند یا عاشق شدند یا به طرف شهادت رفتند تا همواره زنده بمانند و نزد پروردگارشان باشند؟ پس باید در اندیشه‌ی ما جایگاهشان معلوم باشد. دل ما از چه می‌سوزد؟ چرا بی‌قرار هستیم؟ از این ده روز چه می‌خواهیم؟ چرا با تیغ بر سرمان می‌کوبیم؟ چرا می‌خواهیم قلبمان را از سینه خارج کنیم؟ این چه اسراری است که برایمان ناشناخته است؟ حسین کیست که عقل‌ها را می‌برد، جان‌ها را به تپش می‌اندازد و دست‌ها را برای مجروح کردن جان‌ها به حرکت در می‌آورد و سینه‌ها با تکرار اسمش هر لحظه در حال انفجار احساسات قرار می‌گیرد. آیا می‌تواند قلبی با شنیدن نامش بی‌تفاوت

باشد؟ اگر مسلمان نبود او را چگونه دوست دارد؟ از او چه می‌داند که نسبت به احساسش متحیر است؟

جواب تمام سؤالها در حرکت زمان در شناخت حق از باطل در مدت معین از طرف پروردگار کریم است. همگان از خود می‌پرسند قوم بنی اسرائیل چطور توانستند بعد از دیدن معجزات بزرگی که در همراهی‌شان با پیامبر الهی برایشان اتفاق افتاد و به یقین رسیدند که تمام آن مددها از طرف پروردگارشان بوده با اضافه شدن فقط ده روز به کفری مبتلا شوند که عقلها را متحیر می‌کند. پس آغاز ده روز شروع شناخت بود و پایانش ضلالتی که از آن نتوانستند بگذرند و در آن باقی ماندند. هر سال با آغاز دهه‌ی محرم، شب‌های ده‌گانه‌ای که کتاب آسمانی به آن قسم یاد کرده آغاز می‌شود. قهرمان این دهه مولایمان حسین (س) است و شهادت‌ش مسافرین طور که حقیقت انوار پروردگار کریم بر قلبشان اصابت کرد و آنان را متلاشی نمود و ما را تماشاگر این متلاشی شدن قرار داد. حضرت موسی (س) از دیدن متلاشی شدن طور بی‌هوش شد. ما بدون اینکه درک کنیم چه شده، انقلاب وجودمان آغاز می‌شود جسممان حرارت روح را با جرقه‌هایش کنترل می‌کند تا روح از شدت انرژی پاره‌پاره نشود. پس افسوس و صد افسوس که بعد از پایان این دهه به چشم خود حاصلش را می‌بینیم که فقط از محرم خاطره‌ای باقی ماند و باز می‌رود تا محرم دیگری فرا برسد و عمرمان در تکرارهای افسانه سازی‌ها از کفمان برود.

در این محرم دست توصل به طرف مولایمان دراز می‌کنیم تا ما را از کسانی که منتظر پیامبر ماندند قرار بدهند نه از کسانی که با سامری رفتند انشا الله.

### اللهم عجل لولیک الفرج

خاتمه‌ی خطبه‌ی امشب را مزین می‌کنیم به سخنان گهربار بانو و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که چه زیبا فرمودند: در هر زمانی عشق به خاندان نبوت در گنجایش فکری مردمان آن زمان بوده و مرتباً دستخوش تغییر است آنچه ثابت می‌ماند فهم درک حق

از باطل است، بنابراین عشقی جاودانه است که اهل بیت را در حقش بشناسد و آنچه را به عنوان ارث به فرزندش می‌دهد حقایقی باشد که به آن حقیقت‌ها ایمان بیاورد تا دستخوش تزلزل نشود مانند دوستان ما که راه ما را با فدای جانشان به مردم معرفی کردند و یاد ما را همواره با آیات الهی همراه نمودند تا حقیقت تابش خورشید در گرمایش حس شود نه در ظلمت شب باشید.

**اللهم عجل لوليک الفرج**